

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

سید هاشم سدید
۱۹ اگست ۲۰۱۵

۲۸ اسد

روز آزادی، استقلال و بالندگی میهن پرستان!

در روز ۲۸ اسد سال ۱۲۹۸ شمسی بالاخره بر سلطه و حاکمیت مستقیم انگلیس در کشور ما در اثر فداکاری های همه مردمان غیور افغانستان تحت رهبری امیر جوان، مترقی، ملی و آزادیخواه مردم، امان الله خان، نقطه پایان گذاشته شد و ملت افغان با سائر کشور های مستقل و آزاده جهان همشان و هم تراز گردید.

قبل بر این افغانستان برای سالیان دراز - کم و بیش یکصد و شانزده سال - مانند ده ها کشور دیگر در سراسر جهان مستعمره کشور انگلستان بود و همه امور کشور، به ویژه سیاست خارجی آن از طریق حکومت هند بریتانوی اداره می شد.

افغانستان دومین مستعمره انگلیس در جهان، بعد از امریکا، و اولین مستعمره انگلیس در آسیا و افریقا و امریکای لاتین بود که در اثر قیام آزادی طلبانه مردم سلحشور و شجاع خویش به استقلال کامل خود دست یافت و با این کار خویش ایمان به خود و ایمان به دست یافتن به آزادی و استقلال را در دل مردمان سائر کشورهای مستعمره در آسیا و افریقا و امریکای لاتین زنده ساخت!

پادشاهان ما، بعد از سقوط شاه زمان، که هر کدام به نوبه خود به نحوی مسؤول کشاندن پای انگلیس به وطن می باشند، همه به نحوی از انحاء دست نشانده و جیره خور انگلیس بودند. پادشاهان ضعیف و تنبل و زنیاره و راضی به آنچه بودند و خود داشتند، که تنها دارای اختیارات محدود داخلی، آنها در ساحه نفوذ خود بودند، بیشتر به حفظ قدرت برای خود و اولاد و قوم و خویش خود فکر می کردند.

سائر مدعیان قدرت که دست شان از حکومت کابل کوتاه شده بود، هر یک در منطقه ای بیرق خودمختاری را بلند نموده حکومتی را به وجود می آوردند. این حاکمان محلی هر یک برای حفظ قدرت خویش، با در نظر داشت دشمنی هائی که میان مدعیان قدرت بر سر داشتن حاکمیت بر تمام افغانستان وجود داشت و به همین دلیل هر از گاهی میان آن ها جنگ های خونینی صورت می گرفت، ناچار باید دست به دامان یکی از قدرت های بیرونی، مانند ایران و روس و انگلیس می زدند. طبیعی است که چنین وضعیتی سبب تفرقه و کشمکش و دشمنی و جنگ بیشتر میان حکومت های متعدد در کشور می شد، و در نتیجه سبب ضعف هر چه بیشتر کشور در برابر توطئه های بیگانگانی که انتظار می کشیدند تا افغانستان به کلی از هم بپاشد و هر یک از این صید و خوراک گوارا سهمی به نسبت قدرت خویش بردارد، می گردید.

انگلستان در این میان بالاخره در کشمکش میان روس و ایران و خودش بر سر افغانستان، گوی سبقت را ربوده به متولی امر و عهده دار مطلق امور داخلی و خارجی کشور ما تبدیل شد. دو بار جنگ هم از آنجائی که رقابت ها برای رسیدن به تخت پادشاهی میان چند خانواده بی توجه به سرنوشت مردم و آینده کشور شدیداً جاری بود، هر چند افغانان در هر دو جنگ با انگلیس پیروز شدند، ما را از شر انگلیس نجات نداد. زیرا هر بار باز یکی از شیفتگان قدرت با مراجعه به انگلیس و تقاضای کمک برای تحکیم پایه های قدرت خویش دو باره پای این کشور را به افغانستان می کشاند.

امان الله خان با درک این آفت و خسران بعد از همنشینی، همفکری و تعهد با دوستان وارسته، شریف، وطن پرست، مشروطه خواه، مترقی و آزادیخواهی که از چنین وضعیتی سخت رنج می بردند به مخالفت با مداخله فعال انگلیس در تمام امور لشکری و کشوری، به خصوص سرپرستی سیاست خارجی کشور و تعیین دوست و دشمن افغانستان در برابر تادیبه سالانه نقد و جنس به طور مستمری، برای تأمین هزینه های دولتی، در بدل تسلیم بلا قید و شرط سرنوشت افغانستان به انگلیس، پرداخت؛ اما امیر عیاش و زبیره، امیرحبیب الله خان، که به آنچه بود و داشت، خصوصاً با آن حرم و آنها هم حرم خشنود و قانع بود و موضوع داشتن و نداشتن استقلال برایش یکسان می نمود، مانع بزرگی بود در راه به راه انداختن یک قیام سراسری برای طرد و اخراج دشمن و دست یافتن به استقلال و آزادی کشور.

برای امان الله خان، ولی استقلال مهم بود. آزادی وطن مهم بود. شرافت و سربلندی مردم افغانستان مهم بود. اعتبار و حیثیت ملک و ملت نزد جهانیان مهم بود. بیرون کردن کشور از آن گودال بدبختی و فقر و درماندگی و ناتوانی و خفت و خواری مهم بود. پیشرفت و دست یافتن به علم و فرهنگ و تکنیک و صنعت و قانونیت و مدنیت مهم بود. رفع تبعیض و خود سری ها، و از بین بردن امتیاز ها به این یا آن خانواده و یا قوم، و "ملت شدن" مهم بود و... این ها و هزاران موضوع دیگر همه اموری بودند که این مرد باوجدان و بلند قدر و عدالت خواه و باورمند به دموکراسی و آزادی نمی توانست به هیچ صورت از آن ها چشم ببوشد!

در برابر استقلال و آزادی و شرف و ناموس کشور و مردم، رادمردانی که به میهن و مردم خویش به حد افراط عشق می ورزند، نه فرزند می بینند، نه برادر و نه پدر و مادر و... و چون از سوی پدر مأیوس شد، خود دست به کار شده قدرت را بدون این که مانند سائر مدعیان تشنه قدرت در گذشته به سرکوب و هلاک رقباء دست بزند و به تصفیه حساب های شخصی بپردازد، تصاحب کرده و هنوز دو یا سه روز از رسیدن به سلطنت نگذشته بود که با این دو نطق:

۱- "اول به همه رعایای صدیق ملت نجیب خود، این را اعلان و بشارت می دهم که من تاج سلطنت افغانیه را به نام استقلال و حاکمیت داخلی و خارجی افغانستان به سر نهاده ام."؛ و،

۲- "ملت عزیز من؛ من این لباس سر بازی را از تن بیرون نمی کنم تا که لباس استقلال را برای مادر وطن تهیه نسازم. من این شمشیر را در غلاف نمی کنم تا که غاصبان حقوق ملت را به جای نشانم. ای ملت عزیز و ای سربازان فدا کار من، بیایید؛ آخرین هستی خود را برای نجات وطن، بیایید تا که سرهای پر غیرت خود را برای خلاصی وطن فداء سازیم."؛

به دعوت مردم برای تحقق این آرمان بزرگ ملی پرداخت و مردم غیور و استقلال طلب افغانستان نیز که گویا منتظر چنین یک ندای جان بخش و روح پروری بودند به خواست شاهی که به استقلال و آزادی کشور و ترقی و پیشرفت و عدالت و اعتلای آن و مردمش سخت دل بسته بود، با جان و دل لبیک گفتند و خود را برای جنگ استقلال طلبانه علیه انگلیس آماده ساختند. جنگی که به پیروزی رسید، اما در نهایت سوگمندان در اثر توطئه های انگلیس و عمالش - یک تعداد روحانیون نما ها مثل مجددی ها و خا نواده نقیب و یک تعداد سیاستمداران شیدا، مزدور و خود فروخته، مثل نادرخان و برادرانش - به سقوط آن پادشاه محبوب و عزیز منجر شد.

امان الله خان به خوبی می دانست که اگر با انگلیس درنیفتد، می تواند تا عمر دارد زمام امور را در افغانستان به دست داشته باشد، ولی آن چه او می خواست داشتن قدرت و سلطنت ابدی خود و اولاده اش نبود، بلکه آزادی و داشتن حق خود ارادیت و استقلال برای کشور و مردمش بود؛ مشروطیت، ترقی، تمدن، علم، فرهنگ، معارف، مکتب، دانش، تخصص، حقوق برابر، آزادی، رفاه، سعادت، شادکامی، داشتن قدرت همسری با سائر کشورهای غنی و انکشاف یافته، صنعت و کشاورزی پیشرفته و قانونیت و عدالت و امنیت و... بود.

با همین قصد معاش مستمری خوانین، اعضاء و خانواده های شاهی و روحانیون را قطع کرد. با اقلیت هائی که در دوران پدر و پدرکلانش مورد ظلم و ستم قرار گرفته بودند با نرمی و ملامت و حسن خلق پیش آمد.

هزاران هزاره را که در دوران امیر عبدالرحمان خان خونخوار و جابر و متعصب به بردگی کشیده شده بودند و به حیث کنیز و غلام در بازارها به معرض فروش گذاشته شده بودند، آزاد و بردگی و کنیزی و غلامی را در کشور باطل اعلام کرد. کوچ دادن اجباری هزاره ها از یک محل به محل دیگر و غصب ملکیت و دارائی های شان ممنوع اعلام شد. فشار بر هزاره ها را برای تغییر مذهب تشیع و قبول مذهب حنفی از بین برد. به داد هندوانی که در دوران حبیب الله خان مورد آزار و انیت مردم و بی مهری شدید دولت قرار گرفته بودند، رسید. بستن دستار زرد که در دوران پادشاهی حبیب الله خان برای هندوان امری بود جبری، از بین رفت. همین امر بعد ها الگویی برای طالب گردید. هر هندوئی که بیرون از منزل بدون دستار زرد دیده می شد، باید صد روپیه جریمه تأدیه می کرد. مسلمان سازی هندوان را که بعضاً به جبر و با اکراه صورت می گرفت، قدغن کرد. اولین وزیر هندو، شخصی به نام نرنجن داس، در تاریخ افغانستان در زمان این پادشاه در وزارت مالیه مقرر شد. دوفتر از هموطنان هندوی ما، یکی همین نرنجن داس، در زمره هیأت اعزامی دولت برای اشتراک در مذاکره با هیأت انگلیسی به راولپندی اعزام گردیدند و...



نفر اول و آخر در قطار اول نشسته هر دو از جمله هندو های هموطن ماست که در جلسه راولپندی اشتراک نموده بودند.

(عکس از گوگل گرفته شده است)

مرحوم غلام محمد غبار در این بابت در صفحه ۷۹۴، جلد اول کتاب "افغانستان در مسیر تاریخ" می نویسد: "دولت با اقدام به این امور می خواست سبب تحکیم بنیان وحدت ملی در افغانستان شود. و این کار را عاقلانه بر محور برادری و حقوق برابر مردم افغانستان به گردش انداخت."

نود و شش سال از آن زمان می گذرد. برای تجسم نیکی آن مرد فرهیخته و شریف و والا و متعاطف کافی است نظری به وضعیت امروز افغانستان، نود و شش سال بعد از آن دوران، بیفکنید و ببینید که این ملت - به خصوص با تلاش های

شرم آگین نفاق افغانانه ای که سیاستمداران امروز ما برای پیشبرد مقاصد شیطانی خود در میان اقوام مختلف کشور به راه انداخته اند - چه موهبت و چه عطیه بزرگ و گرانبیاری را با چه غفلت نابخشودنی از دست داده است!!

اگر باور به سخنان موهوم پرستان پریشان گوی می داشتیم، می گفتم: "قهر امروز خدا بر ما و بر کشور ما برای همان کبر هائی است که ملت در آن زمان بر آن مرد بامروت، بی بدیل، کریم، محسن و بزرگواری کرده بود!"، ولی واقعیت این است که هر چه می بینیم، از دست خود می بینیم!!

امان الله خان را بدون جهت پدر قانون اساسی افغانستان نگفته اند. او بود که برای اولین بار چنین قانونی را به شکل امروزه آن به نام "نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان" در لویه جرگه سمت مشرقی که جمعاً بالغ به ۸۷۲ نفر اعم از وزراء و نمایندگان مردم می شد در ۷۳ ماده در سال ۱۳۰۱ تصویب و در سال ۱۳۰۲ در مطبوعه دائره تحریرات مجلس وزراء به طبع رساند.

بد نیست نظری به برخی از مواد این قانون، که به تناسب زمان خود انسانی و پیشرفته بود، غرض شناخت بهتر افکار و نیات این شخصیت والامقام و مقایسه وی و قوانین موضوعه اش با اشخاص و افراد امروز و قوانین شان و پابندی که به آن ها دارند و ندارند، بیندازیم تا علت احترام بیش از حد وی را در میان مردم، گذشته از این که محصل استقلال بود، به درستی درک کنیم:

ماده اول:

دولت علیه افغانستان اداره امور داخله و خارجه خود را باستقلال تمامه حائز بوده همه محلات و قطعات افغانستان به زیر امر و اداره سنیه [نیکو و عالی] ملوکانه بصورت یک وجود واحد تشکیل می باشد، و هیچ حیثیت در اجزای مملکت تفریق کرده نمیشود.

ماده نه:

کافه تبعه افغانستان آزادی شخصی خود را مالک بوده حریت دیگر اشخاص را اخلاص و ضایع نمی کنند.

ماده ده:

حریت شخصیه از هر گونه تعرض و مداخلت مصونست، هیچکس بدون امر شرعی نظامات مقننه تحت توقیف گرفته و مجازات کرده نمی شوند. در افغانستان اصول اسارت بالکل موقوف است، از زن و مرد هیچکس دیگری را بطور اسارت استخدام کرده نمیتواند.

ماده یازده:

مطبوعات و اخبارات داخلیه مطابق نظامنامه مخصوص آن آزاد میباشد. نشر اخبار فقط از حقوق حکومت و یا اهالی تبعه افغانیه است. در باره مطبوعات خارجه، دولت علیه افغانستان بعضی شرائط و قیود نهاده میتواند.

ماده سیزده:

تبعه افغانستان مفرداً یا جمعاً اگر خلاف شریعت غراً و یا نظامات دولت از طرف مأمورین یا دیگری حرکت یا رفتاری ملاحظه کنند، به اداره های دولت عرض می کنند، اگر در دوائر دولتی مرجوعه اش به بازخواست و استماع عرض شان پرداخت نکنند، علی الترتیب به مافوق شان استعائه نمایند؛ در صورتیکه هیچیک بازخواست نکرد، راساً بحضور اشرف پادشاهی عرض نموده میتوانند.

ماده چهارده:

امر تدریس بالکل آزاد است مطابق نصاب معارف عمومی هر فرد تبعه افغانستان عموماً بطور عمومی و خصوصی برای تدریسات مأذون و مجاز می باشد. اما اشخاص اجنبی به استثنای نفرئی که برای تعلیم استخدام میشوند، بدخل مملکت افغانستان به افتتاح و اداره مکاتب مجاز نیستند.

ماده شانزده:

کافة تبعه افغانستان بحضور شريعت غراً و نظامات دولت در حقوق و وظائف دولت حق مساوات دارند.

ماده هفده:

عموم تبعه افغانستان به اندازه قابليت و اهليت شان در همه مأموريت ها به اندازه احتياج دولت استخدام ميشوند.

ماده نژده:

در افغانستان هر شخص از مال و ملك خودش كه در تصرف او باشد در امن مى باشد، اگر يك ملكى بمقصد منافع عموميه بكار دولت شود موافق نظامنامه مخصوصه آن اولاً قيمت آن را به صاحبش تأديه نموده بعد ملك را گرفته ميتواند.

ماده بيست:

مسكن و جاى هر فرد تبعه افغانستان از هر گونه تعرض مصونست، و هيچكس از طرف حكومت و سائره بدون احكام نظامات بخانه شخصى جبراً و بلا استيزان داخل شده نميتواند.

ماده بيست و دو:

مصادره و بيگار بالكل ممنوع است، اما كار و تكاليفى كه در زمان محاربه پيش شود، مطابق نظامنامه مخصوصه آن از اين قاعده مستثا است.

ماده بيست و چهار:

شكنجه و ديگر انواع زجر تماماً موقوف است، و خارج نظامنامه جزاى عمومى و عسكريه براى هيچكس مجازات داده نميشود.

ماده سى و سه:

يكى از وزراء دولت اگر از روى وظيفه مأموريت شان تحت محاكمه گرفته شوند، محاكمه آنها بديوان عالى عايد و راجع است، اصول محاكمه شان موافق نظامنامه مخصوصه حل و فصل ميگردد و ديگر دعاوى شخصيه وزراء كه خارج وظيفه مأموريت شان باشد، مانند سائر رعايا به محاكم عدليه مراجعت مينمايند.

ماده سى و چهار:

وزيرى كه از طرف ديوان عالى تحت اتهام مى آيد الى نتيجه محاكمه و برانت شان از وظيفه وزارت معطل ميمانند.

ماده پنجاه:

در محاكم عدليه هر نوع محاكمات بطور علنى اجراء مى شود، بعضى فقراتى كه در نظامنامه مخصوص محاكم نشان داده شده، محاكمه آنرا قاضى بطور خفيه اجراء کرده ميتواند.

ماده پنجاه و يك:

در حضور محاكم هر كس براى محافظه حقوق خود همه وسائل مشروعه را پيشنهاد نموده ميتواند.

ماده پنجاه و دو:

محاكمه عدليه در رؤيت و فيصله دعاوى كه داخل وظيفه شان باشد، تعطيل و ممانعه کرده نميتوانند.

ماده پنجاه و سه:

همه محاكم از هر گونه مداخلت آزاد هستند.

ماده پنجاه و پنج:

هيچكس خارج محاكم عدليه براى فيصله بعضى فقرات مخصوصه يك محكمه فوق العاده تشكيل داده نميتواند.

ماده شصت و هشت:

برای تبعه افغانستان درجه ابتدائیه تحصیل معارف حتمی و مجبوریست. درجات و تفرعات آن بیک نظامنامه مخصوص تعیین یافته که بر طبق آن معمول می شود.

ماده هفتاد و سه:

مصونیت مکاتیب یکی از حقوق اهالیست، همه مکاتیب و مراسلات محصول اهالی به تودیع پوسته میشود، تا از طرف یک محکمه جواز تجسس نشود، در هیچ پوسته خانه دیگر جا باز کرده نمیشود، همچنان سر بسته به مرسل الیه سپرده می شود.

...

مجموع نظامنامه های وضع شده به گفته برخی از آگاهان در دوران پادشاهی تقریباً ده ساله مرحوم شاه امان الله خان به هفتاد تا می رسد که نگارنده نام برخی از آن ها را در این جا غرض آگاهی بیشتر خوانندگان عزیز، و غرض مقایسه این بزرگ مرد تاریخ کشور ما با شاهان قبل و بعد از وی، ذیلاً نقل می کنم:

- ۱- نظامنامه آذوقه ۱ و ۲ و ۳ و ۴ مصوبه ۱۳۰۱ - ۱۳۰۵ - ۱۳۰۵ و ۱۳۰۷.
- ۲- نظامنامه ابنیه شهر دارالامان مصوبه سال ۱۳۰۲.
- ۳- نظامنامه اجراءات تصفیه ماضیه مصوبه سال ۱۳۰۲
- ۴- نظامنامه اجراءات تصفیه ماضیه مصوبه ۱۳۰۵
- ۵- نظامنامه اجراءات تصفیه ماضیه مصوبه ۱۳۰۶
- ۶- نظامنامه اخذ رسوم گمرک از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۷ - مجموعاً پنج یا شش نظامنامه
- ۷- نظامنامه اداره مساکین مصوبه سال ۱۳۰۷
- ۸- نظامنامه اساسی وزارت جلیله معارف مصوبه سال ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷
- ۹- نظامنامه اساسیه جمعیت طیاره افغانستان مصوبه سال ۱۳۰۷
- ۱۰- نظامنامه استعفای مأمورین ملکی
- ۱۱- نظامنامه اصول محاکمات جزائیه مأمورین مصوبه سال های ۱۳۰۲-۱۳۰۳-۱۳۰۵ و ۱۳۰۶
- ۱۲- نظامنامه البسه عسکری سال ۱۲۹۹

و نظامنامه های بلدییه، نظامنامه های بودجه عمومی، نظامنامه تخفیف عبارات القاب، نظامنامه تذکره نفوس و اصول پسپورت [پاسپورت] و قانون تابعیت سال ۱۳۰۳ و سال ۱۳۰۵، نظامنامه تربیت اطفال یتیم، نظامنامه های تشکیلات اساسیه افغانستان از سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۰۷، نظامنامه های تشویقیه صنایع دولت افغانستان، نظامنامه تعلیم گاه آمران و ضابطان افغانستان، نظامنامه تعمیرات پغمان، نظامنامه های تعمیرات دولت، نظامنامه تفریق وظایف کاتبان داخل قطعات و دایره لوازم فرقه ها و قول اردو و وزارت جلیله حریبه، نظامنامه تقاوی تجاریه، نظامنامه تقسیمات کشور افغانستان، نظامنامه توقیف خانه ها و محبوس خانه و...

امان الله خان طی بیشتر از نه سال پادشاهی، باوجودی که از هر طرف، مخصوصاً از جانب ملا های تحریک شده ای بیگانگان، مشکلات و سنگ اندازی های ناخواسته و فراوان سر راهش قرار داشت، تلاش کرد از یک طرف قانون و قانونمداری و عدالت و برابری و همبستگی و همکاری و تساند و یک رنگی را در درون کشور رواج بدهد و فرق بین هزاره و پشتون و تاجک و...، اختلافات مذهبی، تبعیضات قانونی، فرق بین زن و مرد و... را در کشور از بین ببرد و از طرف دیگر ملک را معمور و آباد کند.

ولی حیف که ملت در اثر توطئه های بیگانه پرستان غدار و جنایت پیشه و قدرت طلبی که نه به ترقی و اعتلای وحدت و نیرومندی کشور و رفاه مردم فکر می کردند، نه به آزادی و حقوق برابر همه ملیت های برادر معترف و مدعن بودند

و نه در برابر مهر و مؤدّت و وداد و لطف گشاده دلان فراخ سینه خود را مدیون و مرهون و وامدار احساس می نمودند [خاندان غدار و وطن فروش آل یحیی] به خصوص توطئه های پیشوایان متحجر و سوجدوی و کهنه پرست و محافظه کار دین، فریب خورده و نعمت بی همتائی را که به دست آورده بودند، به شکل الم باری مفت و رایگان از دست دادند و روز و روزگاران خویش را سیه و تباه کردند. الم بارتتر از این هم این است، که مردم ما از این درس بزرگ و تاریخی و آموزنده تا هنوز هیچ چیزی نیاموخته اند؛ تا جائی که چند بی وجدان شرافت باخته و نوکر انگلیس و پاکستان، خاصتاً نوکران ایران با ردالت تمام با دشنام به این مرد قابل تکریم و تعظیم توهین و بی حرمتی می کنند، در حالی که حق آن است که از این مرد نیک نام و شریف و ملی همیشه به نیکوئی و سپاس بی پایان یاد شود!! روانش شاد و یادش مستدام و پاینده باد!!!

نمی دانم اگر دست اندر کاران وطن فروش و فاسد امروز کشور که حلقه غلامی دیگران را به گردن انداخته و دار و ندار کشور را در طبق اخلاص به آن ها عرضه می کنند، مثل غنی و عبدالله و دار و دستة شان، مجددی و گیلانی و کیان ها و نادری ها و ربانی ها و...، و سردسته شان، کرزی ها، وقت پیدا کنند و این نوشته را بخوانند، و خود را با آن ابر افغان نیکو سیرت مقایسه کنند، اگر ذره وجدانی در آن ها باقی مانده باشد، که فکر نکنم، آیا از خجالت قطره ای از عرق به پشانی شان هویدا خواهد شد، یا خیر!!

راحت بخواب ای عزیز که نه تاریخ ترا و جانبازی های ترا فراموش می کند و نه آنانی که به افغانستان آزاد و آباد و پیشرفته و مرفه و آرام و متحد عشق می ورزند. نام تو ورد هر زبان است! همه ملت مدیون تست. اگر این ملت را افتخاری است، آن تستی؛ نه تنها امروز که تا جهان است؛ این وطن دو باره آزاد می گردد، تو راحت باش! به مردم باور داشته باش. خواب شان سنگین است، اما بالاخره بیدار می شوند و به پا می خیزند! چه کنیم؟ تنها خصلت بدی که دارند همین است. تو هم این را می دانی!!

۲۰۱۵/۰۸/۱۸